

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



امادیت ظہور و عرائم آفرالزمان



www.ANTi666.iR



بسم الله الرحمن الرحيم

احادیث ظهور و علائم آخرالزمان

اکنون ما به وضوح در کشورمان از بحث دشمن شناسی (از طریق دشمن شناسی) به خدا شناسی و شناخت ولایت در یک مرحله ی گذار هستیم. جامعه متوجه شده است که بحث فراماسونری، صهیونیسم، ایلومناتی و شیطان پرستی فقط دلیلی بر این است که متوجه شویم که دشمن وجود دارد و بعد از فهمیدن این موضوع ماندن در دشمن شناسی و گیر کردن در این بحث یک اشتباه کاملا استراتژیک است و ما به این دلیل از این بحث عبور می کنیم. البته دشمن شناسی نباید به طور کامل کنار گذاشته شود؛ بلکه باید معقول و منطقی عمل کنیم.

بحث آخرالزمان بحث خاص و مهمی است که در اینجا این مساله با یک نگاه جدید بررسی می شود. بحث آخرالزمان بحث جدیدی نیست که در ده یا بیست سال گذشته مطرح شده باشد (در فرهنگ دهخدا آخرالزمان اینگونه معنی شده است: به دوره ی پایانی جهان تا قیامت آخرالزمان گفته می شود) و در نگاه فرهنگ دینی از بعثت رسول گرامی اسلام (ص) تا قیامت آخرالزمان محسوب می شود، با این نگاه هم ما در حال حاضر در دوره ی آخرالزمان قرار داریم و هم پدران ما در دوران آخرالزمان زیسته اند (مثلا ملاصدرا هم در آخرالزمان زندگی کرده است)، اما روند سیر آخرالزمان مانند تابعی است که رفته رفته شیب آن بیشتر می شود و ما بیش فعالی بشر را مشاهده می کنیم (در سریال مختارنامه قسمتی بود که برداشت جالبی بود که زنان لباس مردانه برتن کرده بودند و آمده بودند همسر مختار را تهدید می کردند. یکی از پیرمردهایی که در این صحنه بود از دیگری می پرسد اینان زنند؟ و او پاسخ می دهد بله و مرد می گوید دوره ی آخرالزمان شده است). علاوه براسلام در غرب نیز نگاه آخرالزمانی وجود داشته است. از زمان مکاشفات یوحنا، جریان مسیحیت نگاه آخرالزمانی خود را داشته است، اما آنها نیز دچار بیش فعالی شده اند؛ یعنی از ۳۰۰-۴۰۰ سال و به طور خاص تر از ۲۰۰ سال و به شکل جدی از زمان انقلاب اسلامی یعنی از دهه ی ۱۹۷۹ به بعد، این بیش فعالی گسترده تر شد و بر مبنای آن کادر سازی پیچیده ای نیز انجام شد، اما ما در کادر سازی به اندازه ی آنان خوب عمل نکردیم. مسیحیان اونجلیست یا اصولگرا یا آخرالزمانی یا راست گرایان مسیحی افرادی هستند که از جمعیت ۳۰۰ میلیونی امریکا توانسته اند که هفتاد میلیون نفر را جذب کنند. کادر سازی برای منجی آخرالزمان به شکل بی نظیری انجام شده است. این افراد در مراسم هایی در مگا کلیسا ها شرکت می کنند، با جمعیت های عظیم و با زاری، ظهور و آمدن مسیح را طلب می کنند. منتهی این نگاه انحرافی و یهودیزه شده است. اونجلیست ها قائل به وقوع جنگ آرماگدون هستند، جنگی که در (حاره مَجِدو) یا تپه های مجدو شکل خواهد گرفت، هم اکنون نیز مانند شهرهای زیارتی ما که مسلمانان به قصد زیارت می روند، از کل دنیا علی الخصوص امریکا، این افراد جمع می شوند و برای بازدید از آن تپه به فلسطین اشغالی می روند (به عنوان دشتی که جنگ آرماگدون در آن به وقوع خواهد پیوست). چون در این دشت ارتفاعی وجود ندارد، دو برج در آن ساخته شده که توسط پلی به هم متصل هستند، بازدید کنندگان روی این پل می ایستند تا بتوانند با اشراف کامل این منطقه را ببینند.

در راستای این نگاه هزینه های کلانی مصرف شده است برای تهیه ی اسلحه، انبار های دارو و... برای جنگی که قرار است اتفاق بیافتد و این افراد در امریکا به شدت قدرتمند و ذی نفوذ هستند، تا آنجا که حتی رئیس جمهورهای امریکا را اخیرا اینها بر سر کار می آورند. جرج بوش توسط اینها سر کار آمد. زمانی که جرج بوش به اسرائیل گفت تانکها باید از کرانه ی باختری خارج شوند، جری فالور یک نامه ی سرگشاده به جرج بوش نوشت و به او یاد آوری کرد که او به واسطه آنها توانسته ۲۵



میلیون رای بیاورد و اگر بخواهد جلوی اسرائیل بایستد، عاقبت خوشی در انتظارش نخواهد بود و جرج بوش هم بعد از آن بابت حرفش عذر خواهی کرد.

در آمریکا ۷۰ میلیون نفر آدم هر روز برای موفقیت اسرائیل دعا می کنند، چون در تحریفی که توسط یهودیت به وجود آمد، گفته شده است که برای ظهور مسیح باید تمام یهودیان در اسرائیل جمع شوند و بعد از آن است که جنگ آرماگدون بین اهل شنبه یا یهودیان و اهل جمعه یا مسلمانان در می گیرد که به نفع اهل یکشنبه یا مسیحیان است.

یهودیت با جمعیت ده میلیون نفری نمی توانست فلسطین را تصرف کند، بنابراین تحریفی در مسیحیت ایجاد کرد تا مسیحیان این کار را برایش انجام دهند، اما این نکته را در نظر نگرفته بود که چون این کار الهی نیست، حتما در یک مرحله ای به بن بست خواهد خورد.

آخر سناریوی نوشته شده توسط یهود، کمی تراژیک است، چون برطبق آن در نتیجه ی جنگ آرماگدون باید سه چهارم یهودیان کشته شوند تا مسیح ظهور کند و یک چهارم باقی مانده، باید به مسیح ایمان بیاورند، چون دفعه ی قبل که مسیح آمد او را به صلیب کشیدند و اگر ایمان نیاوردند توسط خود مسیحیان باید کشته شوند. امروز یهودیان در حال تغییر دادن این نکته هم هستند که اگر این یک چهارم هم ایمان نیاوردند، مسیح خواهد آمد، اما این چندان مورد قبول جامعه ی مسیحیت اونجلیستی قرار نگرفته است که اگر دوستانی که در طرح ریزی های استراتژیک بین المللی ما فعالیت می کنند به این نکته توجه کنند، توسط همین مطلب می توان چنان دعوایی در بین یهودی ها و مسیحی ها به راه انداخت، که فکر جمهوری اسلامی ایران را از سرشان بیرون کنند.

اسحاق رابین، رئیس جمهور رژیم صیونیستی، با فلسطینی ها صلح می کند، قرار دادی می نویسد که ما باید یکدیگر را به رسمیت بشناسیم و در کنار هم آرام زندگی کنیم. چند روز بعد اسحاق رابین ترور می شود، چون او با هدف ایجاد جنگ بین یهود و اسلام به فلسطین فرستاده شده بود.

امروز یهودیت تحریف شده و صهیونیست ها به چنان دست و پا زدن افتاده اند که نمی دانند چه طور خود را جمع و جور کنند. جالب است که اونجلیست ها از این جنگ های اسرائیل راضی اند، اما معتقدند که اسرائیل باید شدیداً از لحاظ اقتصادی و سیاسی حمایت شود، چون تعداد افرادش از مسلمانان کمتر است و نباید اسرائیل در جنگ شکست خورده و حذف شود، بلکه باید ۱۴۴ نفرشان زنده بمانند. همین مطلب هم پارادوکس دارد و نشان می دهد پیش گوهای اینها متوجه افزایش جمعیت نبوده اند. چون یک چهارم جمعیت ۷ میلیونی ۱۴۴ نفر نیست.

نتایج آرماگدون (در دید اونجلیست ها)

۱- کشتار کامل مسلمانان و اعراب (که جز با سلاح هسته ای مقدور نیست) یا با استفاده از تروریسم بیولوژیک (که یک نژاد خاص را مبتلا کند).

۲- نابودی $\frac{5}{6}$ یا $\frac{2}{3}$ جمعیت کره ی زمین (این اختلاف در اعداد نشان می دهد که این حرف ها مرجع واحد ندارد). با این دلیل که جمعیت زیاد شده و منابع از بین می رود، محیط زیست آلوده می شود و ...



کشتار حدود ۵ میلیارد انسان جز با روش های فوق الذکر امکان پذیر نیست و می بینیم که مانورهایی نیز برای آماده شدن ذهن مردم داده می شود و مقدماتی برای برآورده شدن این اهداف آماده شده است.

به این شکل که هراز چند گاهی یک بیماری در جهان شیوع می یابد، مثل همین انفلونزا های اخیر (دقت داشته باشید که برای این طرح ها و پروژه ها از اسم هایی استفاده می کنند که از نظر روانی در ناخودآگاه افراد احساس خطر ایجاد نمی کند، مثل مرد چاق یا پسر بچه که گزینه هایی هستند که اصولاً توانایی ایجاد خطر را ندارند).

در جریان انفلونزایی که قبلاً شیوع پیدا کرده بود، تمرکز طرح روی شهر مکه بود، زیرا از تمام کشورهای اسلامی نمایندگان به این شهر می آیند. اگر این نمایندگان مبتلا می شدند، در بازگشت به کشورشان تعداد زیادی از مسلمانان به این بیماری مبتلا می شدند.

از طرفی خود طراحان بیماری واکسن این بیماری را نیز تهیه کرده بودند.

اما بعضی اتفاقات هست که دشمن را می ترساند. پروژه هایی که در مراحل آزمایشگاهی موفق بوده است، اما مثلاً در مکه با شکست مواجه می شود و این مطلب برای آنها جای سوال دارد. همان طور که شما مشاهده کردید که در آن زمان که بحث آنفلونزا در مکه داغ بود، هیچ یک از کسانی که از مکه برگشتند به این بیماری مبتلا نشده بودند و این مصداق ایه ی "وان تنصرالله ینصرکم" است.

برخی از ویژگی های جمهوری اسلامی دشمن را می ترساند، از آنجا که بسیاری از طرح ها که روی کشورهای دیگر پیاده شده بود، روی ایران جواب نداد. تحلیل دشمن به هم می ریزد که چرا این طرح های اقتصادی و سیاسی و ... که شوروی را از هم می پاشد، روی ایران اثر ندارد و این موضوع باعث ترس آنها می شود و می فهمند که این یک قدرت مابعدالطبیعه است که از این ملت حمایت می کند.

مرحوم میرزای نائینی در زمان حمله ی روس ها و انگلیس ها در نجف حضور داشتند. در حالی که برای وضعیت ایران خیلی نگران و ناراحت بوده اند. در خلصه ای فرو می روند و امام زمان (عج) را می بینند که به دیوار کجی تکیه دارند. مرحوم می گویند که امام زمان (عج) فرمودند ترک بر می دارد، می شکند، اما فرو نمی ریزد (این دیوار شیعه خانه ی امام زمان (عج)، ایران است).

می توان دید که در طول این انقلاب مشکلات عظیمی پشت سر گذاشته شده، مثلاً اینکه در یک انقلاب نوپا فرمانده ی کل قوا جاسوس از آب در می آید، رئیس جمهور جاسوس بوده است، همین طور دبیر شورای عالی امنیت ملی (کشمیری)، فرمانده ی نیروی هوایی ارتش، فرمانده ی نیروی دریایی ارتش و ...

هفتاد و دو تن از بهترین های انقلاب در آن شرایط سخت در یک روز با یک انفجار شهید می شوند.

کودتاها ی عجیبی برنامه ریزی می شود که به طرز عجیبی نیز کشف می شود. مثلاً یکی از افراد حفاظت از منطقه، از سگ می ترسیده است، اتفاقاً سگی به دنبالش می دود و آن فرد در حال فرار وارد خانه ای می شود که در آن پر از بمب بوده است.

این است که احساس می شود کسی پشت این ماجراست. این ها معجزه است. معجزاتی که چیزی از معجزه ی رد شدن از نیل کم ندارد.



امروز دوره ی معجزات کارتونی گذشته است. بشریت بزرگ شده و معجزه ی عقلانی می خواهد.

در جریان اوستیای جنوبی در گرجستان فشار غرب بر ایران زیاد شده بود که به یک باره روسیه به گرجستان حمله می کند و تمام توجهات را به خود جلب می کند، در نتیجه از توجه و فشار بر ایران کاسته شد.

این نخ نازک می شود اما پاره شدنی نیست.

در این جریان آنها که می مانند به زمان ظهور می رسند. "فَلْيَتَنَفَّسِ الْمُتَنَفِّسُونَ"؛ این را قرآن می گوید. افرادی که برای رسیدن به یک شی نفیس با هم مسابقه می دهند، مثل رتبه ی اول کنکور، این رتبه نفیس است و افراد مختلف با هم مسابقه می دهند که به این رتبه ی اول برسند.

یار امام زمان ماندن در برهه ای که نگه داشتن دین سخت تر از نگه داشتن آتش در کف دست است، چیز کمی نیست و این همان معنای واقعی مومنون بالغیب است.

گروه متقین که در آیه ی ۳ سوره ی بقره از آن اسم برده می شود، ویژگی هایی دارد که از آیات بعدی همین سوره استخراج می شود که اولین آنها ایمان به غیب است که ایمان به امام غیب در صدر تفسیر این آیه است.

چه کسانی می توانند با امام زمان بمانند در برهه ای که زمین و زمان به هم می ریزد. در عصری که معصوم قبلا گزاره های آن را بیان کرده است.

بعد از سه موردی که گفته شد، باید برای ظهور مسیح تحقق پیدا کند. مورد چهارم خشک شدن فرات است، که البته اینها پیش گویی های مسیحیان است نه مسلمانان.

۵- تخریب کامل قدس (ساخته شدن هیکل سلیمان به جای آن)

۶- عروج مسیحیان بنیاد گرا (صهیونیسم)

۷- نزول عیسی و همراهانش و نابودی نیروهای شر (همراهان عیسی (ع) همانهایی هستند که در مراحل قبل عروج کرده اند) که به آنها نو تولد یافتگان می گویند. کسانی که حضرت عیسی (ع) دوباره غسل تعمیدشان می دهد).

۸- آغاز هزاره ی خوشبختی و پس از آن هم ابدیت خواهد بود و زندگی طولانی و در خوشبختی در بهشت بدون وجود شیطان.

گزاره هایی از آن درست و برخی از گزاره ها هم نادرست است. اینکه شیطان روی زمین دیگر نخواهد بود را ما هم داریم. در قرآن داریم که: "الی یوم الوقت المعلوم"، که امام زمانی خواهد آمد و ابلیس را گردن خواهد زد. اینکه بهشتی روی زمین خواهیم داشت نیز درست است. اینکه بهشتی بر روی زمین ساخته می شود و حکومت ولی معصوم شکل می گیرد، که در راس حکومت فردی ایستاده که هر حرفی که می زند حرف خداست. این سوال مطرح است که اگر شیطان نباشد، آیا معادلات به هم نمی ریزد؟ منظور ایستادگی همیشگی در مقابل شر است. زمانی که شیطان وجود ندارد، باید گفت نفس همچنان وجود دارد. همان طور که قرآن می فرماید "سولتنی نفسی"؛ نفسم من را فریفت. شیطان نفس اماره را دستمایه خویش قرار می دهد و زمانی که شیطان نباشد کارایی این نفس کم می شود، مثل ماه رمضان که می بینیم، آمار جرم و جنایت کاهش پیدا



می کند. چون دست شیطان بسته است. البته در عدم حضور شیطان این کاهش در گناهان بسیار قابل توجه است. مکاشفات یوحنا که مطالب آخر الزمان اونجلیست ها از آن استخراج می شود، سندیت محکمی ندارد، زیرا این کتاب انجیل نیست. مکاشفات یوحنا است که می گویند او در خواب به این مکاشفات رسیده است. در زبان یونانی به خواب آپوکالیپتوس می گویند، به همین دلیل به آخر الزمان آپوکالیپتوس می گویند و آپوکالیپتیک یعنی نگاه آخر الزمانی. هفت دوره در نظر گرفته شده: دوره ی اول دوره ی اعمال است، از خلقت آدم تا هبوط آدم، دوره دوم دوره وجدان است، یعنی از هبوط آدم تا طوفان نوح، دوره سوم دوره ی شکل گیری دولت هاست، از طوفان نوح تا کوه سینا، دوره چهارم دوره شریعت است، از کوه سینا تا روز پنجاهم و دوره ی پنجم دوره ی آسایش است از روز پنجاهم تا دومین ظهور مسیح و دوره ششم دوره مملکت هزار ساله است و دوره هفتم ابدیت است (همه به بهشت می روند - بهشت اصلی)؛ یعنی قیامتی شکل می گیرد و در پس آن بهشت اصلی است. در رساله تسالونیکي، باب شش، آیه چهار آمده مسیحیانی که مردند زنده خواهند شد در آخر الزمان، تا خدا را دیدار نمایند (منظور از این خدا مسیح است) و سپس ما زندگان و باقیان در روی زمین همراه ایشان در ابرها برده خواهیم شد تا خدا را در هوا ملاقات کنیم (این خدا منظور خدای یگانه است). همانطور که مشاهده می کنید گزاره هایی از آن درست و گزاره هایی از آن غلط است. مثلاً اینکه هنگام ظهور منجی تعدادی زنده می شوند درست است. همانطور که در دعای عهد می خوانیم "اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرَّدًا فَتَانِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي" پس ما هم به رجعت معتقدیم.

جریان باطل با باطل محض نمی تواند کسی را جذب کند، همیشه باید گزاره هایی از حق داشته باشد "یؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فیمزجان" شیطان قسمتی از حق می گیرد و قسمتی از باطل و آنها را به هم می آمیزد و چون نمی توانیم حق و باطل را درست از هم تمیز دهیم، در دام شیطان می افتیم. جالب است که نگاهی که اینها دارند (به حوزه ی آخر الزمان) دقیقاً موازی با نگاه رادیکال های حجتیه ی ماست که می گویند باید جریانی که اونجلیست ها می خواهند تسریع شود. یعنی جنگ آرماگدون را باید زودتر به راه بیاندازیم تا او زودتر بیاید. این نگاه جریان رادیکال حجتیه است. البته همه ی اعضای حجتیه اینطور نیستند، باید منصف بود.

در جریان رادیکال حجتیه انحرافات به وجود آمده بود که بنده آن را از سمت صهیونیست ها می دانم که می گفتند باید فساد را بر روی زمین گسترش داد تا امام زمان (عج) ظهور کند. این گرایشات زمینه ی حضور صهیونیسم اسلامی می شود. کما اینکه گرایشاتی از ازلیه را نیز می توان در حجتیه تشخیص داد.

حضرت امیر اشاراتی به آخرالزمان داشته اند (که بنده آنها را از احادیثی استخراج کرده ام که آیت الله صافی گلپایگانی سندیت این احادیث را تایید فرموده اند): هنگامی که مردمان روح نماز را می میراند (روح نماز می میرد) مردمی که با اینکه زنده به نظر می رسند مرده اند و نماز مرده نمازی بی روح است (این البته دو بعد دارد یک بعد آن نماز نخواندن است و بعد دیگر نماز های بی روح است. نماز هایی که در آن حضور قلب نیست و در آن به همه چیز فکر می کنیم جز خدا). امانت در جامعه از بین می رود. به راحتی در امانت خیانت می کنند. زمانی بود که قول یک فرد سند بود. در بررسی شکل گیری سفته، برات و چک نکته جالب این است که مسلمانان که در هندوستان با هندو ها تجارت ادویه می کردند، چنان رفتار سالمی در حوزه اقتصادی داشتند که یکی از دلایل اصلی مسلمان شدن هندی ها بودند. یعنی مقید بودند که قرضشان را سر وقت علی رغم تمام مشکلات پرداخت کنند، زیرا آنچه که آنها را کنترل می کرد، وجدان بود و معتقد بودند که مشکل شرعی دارد اگر قرض را به



موقع پس ندهند. اما متأسفانه امروزه این وجدان کم رنگ شده و به راحتی چک بی محل کشیده می شود و حتی برخی به قصد کلاه برداری دسته چک می گیرند.

در اعراب جاهلی همه چنان به امانت داری پیامبر ایمان داشتند که حتی اگر با او وارد جنگ هم می شدند، مطمئن بودند که در امانت خیانت نمی کند و مثال آن را می توان در هنگام هجرت مشاهده کرد که پیامبر با اینکه مدت طولانی است که با مشرکان در جنگ است، اما قبل از رفتن به حضرت علی (ع) می فرمایند تمام امانت ها را باز گردان. این یعنی هنوز حضرت رسول امانت دار مردم بودند.

برخی می گویند مسائل امروز به این خاطر است که ما در عصر تکنولوژی هستیم. بر عکس باید بگوییم که امروز جاهلیت بیداد می کند. جاهلیتی که در اعراب جاهلی نداشتیم. او اگر دختر زنده به گور می کرد برای این بود که می خواست نسبت جمعیتی زن به مردها را بالانس کند. اما امروز در چین مردم چون بیش از یک فرزند حق ندارند داشته باشند سونوگرافی می کنند و اگر بچه دختر بود بچه را سقط می کنند. اعراب از روی جهلشان این کار را می کردند، درست است که این کار، کار نکوهیده ای بود، اما آن زمان فهم و شعور اعراب بیشتر از آن نبود. اما چینی ها که امروز در عصر تکنولوژی اند کاری کرده اند که دولت مجبور شده است اعلام کند که داشتن دستگاه سونوگرافی حکم اعدام دارد، پس این موضوعات ربطی به حضور در عصر تکنولوژی و جاهلیت ندارند. حضرت رسول می فرمایند: در آخر الزمان مردمانی را می بینی که مریضی دارند، بیماریشان درونی است و واگیردار نیست، اما چهره های همه شان زرد است و خودشان هم در پی کسب این بیماری هستند (واقعاً اگر کمی دقت کنیم این توضیحات شبیه به معتادان به کراک و... است که فرد با اینکه بیماری از سرو رویش می بارد، خودش با رغبت به سمت آن می رود و این مرض واگیر ندارد) آیا واقعاً این جهل نیست که فرد پول بدهد برای کشتن خودش؟ هیچ کدام از اعراب جاهلی چنین کاری نمی کردند. افرادی که سیگار می کشند عکس ریه روی جعبه سیگار را می بینند، اما کشیدن سیگار را کنار می گذارند؟ اینها معضل است. اینها نشانه های جهل نوین است و سند قرآنی هم داریم "وَلَا تَبْرَحْنَ تَبْرِجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى"؛ یعنی مثل جاهلیت اولیه خودتان را نیارید. این اولی یک آخری هم دارد، یعنی کسانی خواهند آمد که این کار را تکرار کنند. آیه آمد که خودتان را برج نکنید (برج ستاره هایی هستند که در آسمان دیده می شوند)، این آیه در مورد حجاب است. پیامبر وارد جامعه ای می شوند که در آن فحشا بیداد می کند، شراب بیداد می کند. پیامبر ما یک مصلح اجتماعی است که بنده حتی اگر به این دین و کتاب هم اعتقاد نمی داشتیم، این فرد را الگوی خودم قرار می دادم و از او پیروی می کردم. همان طور که ویل دورانت می گوید: از محمد (ص) چه می خواهید؟ بر روی آب راه برود؟ عصا برایتان اژدها کند؟ معجزه از این بیشتر که اعراب جاهلی را وادار کرد روزی ۵ بار خودشان را بشویند؟ در جامعه ی شبه جزیره آن روز کلاً ۱۷ نفر با سواد وجود دارد دو قبیله اوس و خزرج ۴۰ سال سر یک شتر با هم می جنگیدند. حضرت محمد (ص) در چنین جامعه ای مبعوث شدند و در عرض ۳ - ۲ سال کاری کردند که این اعراب تبدیل شوند به نماینده تمدن جهانی در حالی که من و شمای ایرانی، مصری ها و یونانی ها باید از آنها علوم و اختراعات را می گرفتیم.

امروز هم اگر به دنبال طرح ایرادات اجتماعی می گردیم و می خواهیم مشکلات اجتماعی را حل کنیم، همین قرآن راه حل است. به عنوان مثال می بینید پیامبر چطور مشروب خواری را از جامعه جمع می کند؟ پیامبر یک دفعه نگفت هر کس مشروب می خورد گردنش را بزیند. این آیه قرآن را فرمودند: از انگور، هم می توانید خوراکی های پاک تهیه کنید، هم مشروب. یعنی به صورت ضمنی اشاره کرد که مشروب غیر از خوراکی های پاک است. ۲- بعد از مدتی آیه دیگری نازل شد: "أَلَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى"؛ وقتی مستید به نماز نزدیک نشوید. از این چه متوجه می شویم؟ که یا خدا یا مشروب. که باید بین این



دو یکی را انتخاب کرد. ۳- در مشروب برای شما هم منافی است هم مضراتی (قرآن دروغ گو نیست) که مضرات آن بیشتر است (همان طور که امروزه علم هم ثابت کرده است) و در وهله ی آخر می فرماید به این دلایل دیگر مشروب نخورید و اگر خوردید بر شما حد واجب می شود. سعدی به روزگاران مهری نشسته در دل، بیرون نمی توان کرد الا به روزگاران. دامن و مانتویی که سانت سانت کوتاه شده، باید سانت سانت بر گردد سر جایش. جامعه ای که دچار مشکلات هرزگی شده باید آسیب شناسی شود. البته با باند ها باید برخورد قهری شود. کسانی که این مانتوی کوتاه را تولید می کنند، کسانی که مشروب وارد می کنند، باید با آنها برخورد جدی شود. کسانی که مواد مخدر تولید می کنند، باید شدیداً با آنها برخورد شود. اما ببینید نظر قرآن چیست. می گویند روزی یک نفر راهی کربلا بود، مسئول کاروان وقت نماز متوجه شد این فرد از روی پا تابه مسح پا می کشد، این آقای روحانی بعد از نماز به او گفت مسحی که کشیدی اشکال داشت. آب باید با پوست تماس داشته باشد. او پاسخ داد فلان آیت ... به من گفته است که اینطور مسح کشیدن ایرادی ندارد. بعد از سفر، روحانی کاروان به خدمت همان آیت ... می رسند تا علت را جویا شوند، بعد از توضیح دادن ماجرا سوال می کنند آیا واقعاً شما چنین حکمی دادید؟ ایشان می فرمایند بله. آن آقا اصلاً نماز نمی خواند. بنده کاری کردم حداقل به همین شکل نماز را بخواند. قانع کردنش برای درآوردن پا تابه با شما.

اکنون نیز جوانی که حجابش را رعایت نمی کند یک دفعه این طور نشده، باید همان طور که کم کم به این جا رسیده است کم کم برگردد سر جای اولش. البته چون کار ما الهی است، سنت الهی این است که به کار ما امداد برساند و سریعتر بتوانیم غفلت هایمان را جبران کنیم. مثلاً فرهنگ ما ۲۰ سال رבוده شد. اگر خوب کار کنیم ۵ ساله می توانیم جبران کنیم. البته با طرح خوب و اگر از جوان ها و فکر های تازه هم استفاده شود.

مورد سوم از فرمایشات حضرت امیر این است که دروغ گویی حلال شمرده می شود و به راحتی دروغ می گویند. ربا خواری محکم می شود و پایه و بنیان پیدا می کند. مصداق کامل امروز که رباخواری بنیان فکری دارد. همین الان فکر جمع کردن ربا از مباحث اقتصادی خنده آورده است. چون باور ندارند که چنین کاری شدنی باشد. چون الان این جزو اصول اولیه حسابداری است. بنیان و منطبق پیدا کرده است و معقول شمرده می شود. مردم دینشان رابه دنیایشان می فروشند. سفیهان به کار گمارده می شوند. این ها گذاره های جهانی است. برخی از اینها هنوز در کشور ما دیده نمی شوند و برخی از آنها را هم البته می توان دید. نمی توان صفر و صد نگاه کرد. همه چیز به شکل یک طیف است. کارهایی که در محدوده ی زنان نیست به آنان سپرده می شود. صله ی رحم قطع می شود، که امروز به وضوح دیده می شود. امروز رفت و آمدها از سر اجبار است، اما صله رحم یعنی دیدار با عشق و علاقه و همان طور که می دانید صله ی رحم عمر را زیاد می کند. در روانشناسی هیلگارد هم تحقیقی آورده شده که نشان می دهد کسانی که رفت و آمد های فامیلی دارند، سیستم ایمنی بدنشان قوی تر است و عمر بیشتری دارند (باعث تاسف است که مجبوریم برای دینمان از چنین منابعی سند بیاوریم). تبعیت از هوای نفس زیاد می شود. خون ، کم بها می شود. به سادگی آدم می کشند. مصداق واقعی این مورد را در کشورهای غربی می بینیم، در برخی از ایالت های آمریکا، اگر اشتباه نکنم، آدم کشتن فقط ۱۵ سال تا ۲۰ سال حبس دارد. صبور ضعیف شمرده می شود. ظلم فخر دانسته می شود. کسانی که ظالم اند به کارهایشان افتخار می کنند. حاکمان فاجر هستند. وزرا ظالم هستند. عالمان خائن به فکر و اندیشه و مردمانشان هستند. دانشمندانی که زمانی ملجا و مامن مردم بودند، اکنون در خدمت حاکم اند و با حق و حقیقت کاری ندارند. فقرا در فسق فرو می روند. فقر همه جا را می گیرد. در حال حاضر ۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر از جمعیت زمین در فقر مطلقند (در ایران فقر مطلق نداریم). شهادت دروغ ساده می شود. فجور علنی می شود. مثل روزه خواری که امروز کاملاً عادی شده (گاهی فرد گناه می کند، اما به خاطر حرمت بقیه ی انسان ها گنااهش را علنی نمی کند) علنی گناه کردن



یعنی هیچ اعتباری برای اسلام قائل نبودن. قرآن و اسلام با گناهان شخصی افراد کاری ندارند. این گناهان بین خدا و بنده اش است (و جزایش در قیامت است). مثلاً اگر فردی در خانه اش مشروب بخورد، هیچ کس حق ندارد وارد خانه ی او شده و گناهش را علنی کند. همان طور که می فرماید "و لا تجسسوا". اما اگر همین آدم بخواهد در خیابان (در ملا عام) چنین گناهی انجام دهد، حد بر او واجب می شود.

از نشانه های آخر الزمان این است که اولویت ها تغییر می کند. یعنی به جای آن که گناه های علنی را محکوم کنند، گناه غیر علنی را محکوم می کنند. بهتان، دروغ و سخنان واهی و بی اساس زیاد می شود. قرآن مذهب و مطلا می شود (قرآن زیبا می شود)، اما کسی به معنا و مفهوم آن توجهی ندارد. مساجد آئینه کاری می شوند. مناره ها طویل می شوند. شیرین اکرام می شوند. ازدحام در اصناف دیده می شود؛ یعنی ازدحام در مشاغل دیده می شود. قلب ها دور و بدن ها نزدیک است. پیمان شکنی فراوان می شود و نقض آن صورت می گیرد. در چنین شرایطی به هوش باشید، که وعده ی الهی نزدیک است (ظهور را می فرمایند). زنان شانه به شانه ی مردان حرص در اقتصاد و مشارکت در اقتصاد دارند. صدای فاسقان زمین را پر می کند و شنونده هم دارد. تمایلات عجیب افراد به خواننده هایی مثل مایکل جکسون و تارکان خواننده ترکی. فاجران به خاطر ترس محترم شمرده می شوند. مثل جرج بوش و بلر که جایزه ی صلح نوبل می گیرند و در اثبات جهل آخرالزمان همین یک مورد کافی است. دروغ گو را تصدیق می کنند. خائن جای امین را می گیرد. آلات لهو فراگیر می شوند. زنان و مردان در خلق و خلق مانند هم می شوند؛ یعنی تا جایی که بتوانند مثل هم رفتار می کنند، مثل هم لباس می پوشند و... . شهادت ها بازگو می شوند، بدون آنکه در جایی دیده شده باشند. آگاهی و تفقه نه برای دین داری که برای چیز دیگری است. انتخاب می کنند کار را برای دنیا و سود دنیوی به جای دین. خود را به جامه ی میش می پوشانند، در حالی که قلب های گرگ گونه دارند. قلب هایشان جیفه است و تلخ تر از گیاه صبر است. جیفه یعنی مردار، یعنی قلب مرده، که هیچ چیزی درونش نیست. گیاه صبر گیاهی است بسیار تلخ و کلمه صبر در عربی هم از همین گیاه گرفته شده که خوردنش تحمل بسیار زیادی می خواهد. در چنین شرایطی به هم بگروید و بشتابید که بهترین جایها در آن روز بیت المقدس است. در روزه ی کافی آمده: ۱- اهل حق طرفدار دارند. ۲- جور دیده می شود. ۳- قرآن کهنه شده است (یعنی به آن رجوع نمی شود). ۴- چیزهایی را به آن تحمیل می کنند که در آن نیست و برداشت های غیر واقعی از قرآن می کنند. ۵- اهل باطل سیطره بر اهل حق دارند. ۶- بدی ها ظاهر می شوند و کسی نهی نمی کند و برای انجام بدهی ها عذر دارند. ۷- مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می کنند (هم جنس بازی که هر دو سال یک بار هم تجمع و کارناوال دارند). از نشانه های آخر الزمان این است که قوم سدوم یا قوم لوط دوباره احیا می شوند. ۸- مومن را در دنیا ساکت می بینی. ۹- فاسق کذب می گوید و کسی آن را رد نمی کند. نمونه ی واضح رسانه های کاذبی هستند که دروغ می بندند و هیچ کس هم جرات ایستادن در برابرشان را ندارد. ۱۰- کم سن و سال ها بزرگان و پیران را تحقیر می کنند. امام صادق (ع) می فرمایند که احترام گذاشتن به بزرگ ترها از نشانه های شیعیان ماست. امروز کسی که توی مترو، اتوبوس به احترام یک فرد پیر از جای خودش بلند می شود، دارد به شیعیگی خودش مهر تایید می زند. ۱۱- رابطه خویشاوندی می مرد و قطع می شود. ۱۲- برخی را به خاطر فسق تمجید می کنند (مثل بازیگران مستهجن). ۱۳- هم جنس بازی و ازدواج زن با زن و مرد با مرد صورت می گیرد. ۱۴- چاپلوسی فراوان دیده می شود. ۱۵- مردم در غیر طاعت خدا و برای معصیت پول خرج می کنند. مثل پول هایی که به جای خرج شدن در حسینیه های فرهنگی برای دیدن کنسرت فلان خواننده خرج می شود. ۱۶- کافران مسلمانان را مسخره می کنند. ۱۷- مسکرات و خمور علنی خورده می شود. ۱۸- از دین جز پوسته ای باقی نمی ماند. مثلاً افراد تاریخ عروسیشان را روز تولد یک امام انتخاب می کنند و در همان عروسی مشروب هم سرو می کنند. ۱۹- امر به معروف ذلیل است، فاسق و عاصی شدیداً ستوده می شود.



۲۰- یاران آیات خدا کوچک شمرده می شوند (و هم چنین اطرافیانشان). ۲۱- وادی خیر منع دارد و شر ایرادی ندارد. ۲۲- خانه خدا تعطیل است و آمد و شدها برای مسائل دیگری است. از دیدگاه معصوم برای تفرج و تجارت است. ۲۳- مردم چیزی می گویند که اهل عمل به آن نیستند (در گذشته افراد کاری را انجام می دادند و با گفتن آن ریا می کردند، امروز برای کار نکرده ریا می کنند). ۲۴- ملاک اعتبار انسان، مالی است. ۲۵- اقتصاد بر مبنای ربا شکل می گیرد، بدون هیچ گونه منعی. ۲۶- به خاطر زنا شهرت پیدا می کنند، مصداق کامل پرونواستارها. ۲۷- درآمد مردان از (دبرهم) و زنان (فرجهم) است، یعنی درآمد بر مبنای فحشاست. ۲۸- حرام حلال و حلال حرام می شود. ۲۹- دین را بر اساس رای خود می گیرند. ۳۰- کتاب خدا و احکامش تعطیل می شود. ۳۱- در دل شب گناهان در مکانهایی بی ترس انجام می شود (مصداق واقعی کلوهپای شبانه) و این دقیقاً چیزی است که صهیونیستها می خواهند که همه از صبح تا شب کار کنند و شب درآمدشان را برای گناه صرف کنند. اگر خلاف این باشد و کسی بخواهد غیر از این کار را انجام دهد، بخواهد فکر کند و ایده دهد، نزد آنها پذیرفته نیست و باید حذف شود.

به نقل از سلمان: در حجه الوداع، حضرت رسول در خانه خدا را می گیرند و می گویند می خواهید نشانه های ظهور را بگوییم؟ سپس می فرمایند: ۱- قطع ارتباط با خدا. ۲- احترام به مال. ۳- خفت نماز. ۴- کثرت شهوات و هوای نفس. ۵- فروختن دین به دنیا و در انتها می فرمایند در چنین شرایطی قلب مومن در درونش و در بطنش ذوب می شود. همانطور که نمک در آب حل می شود (یعنی شرایط اینقدر بر مومن سخت است). سلمان سوال می کند شدنی است؟ پیامبر پاسخ می دهند به خدایی که جانم در دست اوست شدنی است. ۶- خوبی ها بدی می شوند و بدی ها خوبی (تغییر ارزش ها). مثلاً در گذشته اگر از آیات قرآن به عنوان مثال در حرفها استفاده می شد، بسیار پسندیده بود، اما مدتی پیش که بنده یک مصاحبه تلویزیونی داشتم، وقتی به مجری گفتم "فقد ما انتقاض" یعنی هر کاری که می خواهی بکن، تا آخر جلسه بنده بدهکار شده بودم به خاطر استفاده از آیه قرآن. ۷- فقیران تحقیر می شوند. ۸- مسلمانان قرآن می خوانند، برای نان و آنرا با آهنگ می خوانند. ۹- عده ای دینداری می کنند برای غیر از خدا. ۱۰- ولد زنا زیاد می شود (آمار غرب در این زمینه: یک سوم دوازده تا هجده ساله ها که فرزند دار می شوند در آمریکا، پدر ندارند. ۷۸ درصد در ارتباط با محارم بوده است رابطه های جنسی شان. ۵۶ درصد کودکان آمریکا به گفته خودشان ولد زنا هستند و اگر خود کودک ولد زنا نباشد، در نسل قبل از او زنا زاده وجود دارد. که آمار را به ۷۵ درصد می رساند. کسی که در این شرایط زندگی می کند و دین دار باقی بماند اجرش از اجر ۵۰ شهید جنگ بدر بالاتر است. وقتی رسول خدا این جمله را می گویند مسلمانان به ایشان معترض می شوند، همانطور که می دانید شهدای جنگ بدر و احد از بالاترین درجات شهادت برخوردارند، زیرا فقط زمان سختی های اسلام را تجربه کرده اند و در تنگنا زیستند و سپس هم خیلی سخت به شهادت رسیدند. امروز شرایطی طورسیت که بخشی از آن ها واقعا اتفاق افتاده است (البته نباید زیاده روی کرد. مثل مستند اخیر و نباید هم بگذاریم این روایات کهنه شود). معصوم این روایات را فرموده اند تا ما زمانی از آن استفاده کنیم. همین روایات می توانند دلگرمی باشند برای ما که به اصحاب یمین بودن اکتفا نکنیم. تلاش کنیم جزو السابقون السابقون باشیم و رقابت کنیم با هم برای بهتر شدن، برای رسیدن به آن شئی نفیس که همان امام زمان است. بنده به هیچ چیز حبیب این مظاهر به اندازه جمله ای که ابا عبدالله به ایشان فرمودند غبطه نمی خورم که: من الغریب الی الحیب. آیا امکان دارد روزی امام ما که مصداق واقعی غریبند خطاب به ما چنین جمله ای بگویند؟

به اسم امام زمان جشن نیمه شعبان برگزار می کنیم. جشنی پر از گناه، البته ناگفته نماند که جمعیت های میلیونی هم جمع می شوند در جمکران و هیات هایی که روز به روز کیفیت تر می شوند.



قبلا غالب مردم ایران از نظر اعتقادات مذهبی در رنج ۶۰ و ۴۰ بودند. اما امروز ۶۰ به سمت ۹۰ و ۴۰ به ۰ میل می کند. در دفاع مقدس جمعا ۶۰۰ یا ۷۰۰ هزار نفر رزمنده به جبهه ها رفتند. از جمعیت ۳۶ میلیونی فقط ۳ میلیون نفر با جنگ درگیر شدند. یعنی کمتر از ۱۰ درصد اما امروز موسسه گالوپ اعلام کرده (البته با غرض و کم گفتن برای خرد کردن ما) ۱۵ درصد مردم ایران تا آخرین قطره خون می جنگند، ۱۵ درصد ۷۰ میلیون نفر یعنی حدود ۱۱ میلیون نفر. یعنی ما رشد داشته ایم. جمعیت دو برابر شده، اما تعداد افرادی که حاضرند برای اسلام جانفشانی کنند سه برابر شده اند.

امام زمان (عج) موقع ظهور ندای هل من ناصر سر می دهند و برای هدایت همه ی اقشار تلاش می کنند. برای یهودیان از کتاب خودشان اسلام و حقانیت خود را اثبات می کنند و برای مسیحیان از کتاب خودشان. چه بسا اینکه با دانشمندان بحث علمی هم داشته باشند. همان طور که در زمان مامون بین امام رضا (ع) و علمای آن زمان مناظره برگزار شد.

امروز در بسیاری از کشورها مسلمانان آرزو دارند ذره ای از آزادی و امکانات مذهبی ما را داشته باشند و این راه را باز می کند برای صدور اسلام و انقلاب به این کشورها، کشورهایی که جای کار فرهنگی زیادی دارند.

کاردارها و سفارتخانه های ما دارند چه کار می کنند؟ آقای قدیری ابیانه، سفیر ایران در مکزیک یک سخنرانی داشتند در مورد حقوق زن در اسلام که حدود ۳۰۰ نفر را در مکزیک مسلمان می کند. وقتی یک نفر می تواند این کار را انجام دهد، چرا کتاب این مطلب نباید چاپ شود؟ چرا نباید ماهواره درست کنیم؟ زبان عربی و انگلیسی را مسلط باشیم که امروزه برای هر مسلمانی لازم است؟

در آذربایجان ۸۰ درصد شیعه، دختران نمی توانند با حجاب به مدرسه بروند. آنوقت در ایران با این همه امکانات دعواست در مدارس که روسری و مقنعه چند سانت عقب تر برود.

اگر امروز ما فرهنگمان را در غرب در جهان ارائه کنیم پایه های صهیونیست و ناحقان خواهد لرزید.

یک بخش بخش مبارزه است و اطلاع رسانی به مردم، اما اصل کار این است که موجی به راه انداخته شود و فرهنگ اصیل اسلامی را منتشر کند.

امروز در دنیا سیستمی شکل گرفته است با عنوان مدیریت آزاد جهانی که چند تا جوان عموما تحصیل کرده، دور هم جمع شده اند و می گویند چرا ما باید دانشمان را در سیطره صهیونیسم نگه داریم؟ فرضا من که بلام برنامه بنویسم، چرا میکروسافت باید از من مهر و امضا بگیرد که برنامه ای که من نوشته ام در انحصار این شرکت بماند؟ مگر نه اینکه دانش هر دانشمندی متعلق به خود اوست؟ همین آدم (یکی از برنامه نویسان میکروسافت) با یک مسلمان برخورد می کند که این حدیث نبوی را برایش می خواند: "زکات العلم نشره" این حدیث این آدم را به هم می ریزد و متوجه می شود چیزی که به دنبالش بوده همین دین است. یکی از کارهای این گروه سایت ویکی پدیاست. برنامه هایی مثل VLC و فایر فاکس هم از نتایج کارهای این گروه اند. حالا امروز وظیفه ی من و شما است که به اینها بگوییم که این مدیریت آزاد در دین ماست که امام زمان ما معدن العلم است.

این تفکر که امروز در غرب شکل گرفته، می خواهد مدیریت صهیونیست ها را در هم بشکند. تا به حال به این فکر کرده اید که چرا ما باید بابت زمین پول بدهیم؟ مگر نه اینکه همه ی ما را خدا آفریده است؟ چرا یک نفر باید یک تکه از شمال شهر را داشته باشد و یک نفر تا آخر عمر زیر پل زندگی کند؟ این اعتبارات چیزهایی است که بشریت با تفکرات غلط خودش به وجود



آورده است. روزی می آید که همه ی اینها شکسته شود، بشر به این فهم رسیده است. آن غربی که نه می داند امام زمان کسیت، نه اسم شیعه را شنیده است، بر مبنای عقل خودش به این رسیده است. امروز اینها دنبال این هستند که کارخانه های ساخت نرم افزار مجانی بزنند، حالا وظیفه ما این است که به اینها بگوییم امام زمان ما امام مدیریت آزاد بر جهان است (آزادی محض در بندگی خدا). شما تا به حال از کسی که بنده خداست آزاد تر دیده اید؟ نه از شرق، نه از غرب، نه از هیچ چیز و هیچ کس دیگری نمی ترسد، چاپلوسی هیچ کس رانمی کند.

حتی اگر خدایی را در نظر بگیریم که وجود ندارد، عاقلانه ترین بندگی، بندگی خدای نادیدنی است. غرب به این رسیده است. دنیا به آخر کار رسیده است. همه چیز دیگر به بن بست رسیده است. این را از ورزش های عجیب، از مراسم های عروسی عجیب که هر روز می بینیم می توان فهمید. در این بن بست، عقل به خدا می رسد، آنچه جهل ساحران را باطل کرد، عقلانیت موسی بود و این دین که تماما عقلانیت است.

باید به اینها بگوییم که ما در روایتمان داریم که امام زمان که بیایند، حتی درنده خویان در کنار هم آرام می گیرند. این یعنی اوج مدیریت آزاد و گنو که همین است. اعتماد به ذات انسان هاست، ذاتی که پاک شده و درست شده است.

باید بگوییم که در روایات ما آمده که در زمان امام زمان فقیری که به در خانه ای میرود، انقدر در کیسه اش می ریزند که بردنش بر او دشوار می شود. کوههای غله به آسمان میرسند. می دانید اگر فقط ۱۸-۲۰ روز جنگ و ساخت تسلیحات نظامی در دنیا متوقف شود، یک نفر فقیر در دنیا باقی نمی ماند؟ در زمان امام زمان حتی باران ها هم بهتر می بارند، جوری که نه سیل می آید نه خشکسالی می شود.

امروز امریکا گندمش را در دریا می ریزد که قیمت گندم بالا بماند. در حالی که آدم ها در سودان و سومالی از گرسنگی می میرند.

در زمان ظهور، اصل بر پاک بودن انسان هاست. برعکس الان که اصل بر دزد بودن آدمهاست. یعنی همه دزدند مگر آنکه خلافت ثابت شود، چشم ها گرسنه است.

صهیونیسم فیس بوک را می سازد، اما نه براساس مدیریت آزاد فیس بوک را می سازد تا بتواند کسانی را که می خواهند از مدیریت آزاد استفاده کنند کنترل کند.

برای مثال در این فیس بوک آزاد صفحه ی بیت المقدس بسته می شود، صفحه ی مسجدالاقصی حذف می شود.

یکی از اعضا در ده صفحه جریان سوزاندن ابلیسک در ایران را شرح می داد که ۱۵ روز از استفاده از سایت محروم شد.

در انگلیس اگر تظاهراتی در فیس بوک بخواهد هماهنگ شود فوراً اطلاعاتش در اختیار M15 قرار می گیرد.

امروز وظیفه ما نشر حقایق اسلام در جهان است. ما باید از این عطش ایجاد شده در جان برای عدالت و مدیریت آزاد استفاده کنیم.

والسلام